

نگاهی دوباره به انقلاب ایران (۳)

عباس ملکی^۱

انگار همین دیروز بود که از تجریش پرچم‌ها و پارچه‌نوشته‌هایی را که، شب قبل از آن، در مسجد همت تجریش، جوانان نوشته بودند و، بعد، در کنار خیابانی که اکنون به نام علی شریعتی خوانده می‌شود، برمی‌داشتیم و، در زیر پل‌های جوی آب و یا در خانه برخی از همشهریان، پنهان می‌کردیم. بعد از گذشتن از صفوف ارتش و شهربانی، یکباره، آن‌ها را بلند می‌کردیم و تظاهرات شکل می‌گرفت. بعد هم یک ماشین پیدا می‌شد که بالای آن برویم و، برای مردم، شعارهای خودشان را بدهیم و آن‌ها هم پاسخ دهند. در چند تظاهرات هم بلندگو تهیه شد و هزاران هزار نفر یک شعار را تکرار می‌کردند. خانم‌ها در جلو صف بودند و آقایان در پشت سر؛ چون چندبار، حضور زنان باعث شده بود که در برخورد ارتش با مردم تأخیر صورت گیرد و همین تأخیر راه بسته‌شده خیابان دکنتر شریعتی را برای مردم باز می‌کرد و سیل خروشان مردم به ادامه دادن راه خود مصمم‌تر می‌شد. دیگر هیچ‌گاه، پس از تظاهرات متعدد پیش از انقلاب، نتوانستم تمام مسیر تجریش، خیابان دکنتر شریعتی، خیابان انقلاب تا میدان آزادی را پیاده طی کنم. و حالا به نظرم این کار ناشدنی است. شور و حال مردم نیز، در آن

۱. دانشیار سیاست‌گذاری انرژی دانشگاه صنعتی شریف؛ رایانامه: maleki@sharif.edu



روزهای پیش از انقلاب، وصف ناشدنی است.

در چهل سالگی انقلاب، به نظر می‌رسد، یک بار دیگر، مروری بر آنچه گذشت، در این فرصت کوتاه، مناسب باشد. نکاتی را، در ادامه، می‌آورم:

۱) گرچه در مورد انقلاب ایران پژوهش‌های متعدد شده و کتب و مقالات زیادی نوشته شده است، اما هنوز این بخش از هویت ایرانی ما به خوبی موشکافی نشده است. در تاریخ ده‌هزارسالهٔ مکتوب انسان بر کرهٔ زمین، تنها پنج انقلاب بزرگ اجتماعی، به معنای واقعی، صورت گرفته است: انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر روسیه، انقلاب دهقانی چین، انقلاب شهری کوبا و انقلاب اسلامی ایران. گرچه هزاران هزار شورش و قیام و نهضت در مناطق مختلف جهان، در گذشته و حال واقع شده، اما انقلاب، به معنای فروریختن کامل نظام اجتماعی سیاسی گذشته و برآمدن یک فرهنگ و سامانهٔ جدید، از میان مبارزات مردم، کمتر به نتیجه رسیده است. در خیزش‌های اجتماعی دیگر، تمامی طبقات و لایه‌های اجتماعی مشارکت نداشتند. انقلاب ایران، بدون تردید، کامل‌ترین انقلاب، از دید نظریه‌پردازان شورش‌های اجتماعی، است. تئوری‌های انقلاب خود یک رشتهٔ دانشگاهی است که در کشور ما مغفول مانده است.

۲) انقلاب ایران، بی‌تردید، انقلابی اسلامی بود. گرچه همهٔ اقشار و همه دیدگاه‌ها در آن مشارکت داشتند، اما هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ کیفیت اهداف انقلاب، فاصله بین طرفداران ارزش‌های اسلامی با دیگر شعارها مانند گرایش‌های مارکسیستی یا ناسیونالیستی بسیار زیاد بود. بسیاری از مکاتب فکری در انقلاب ایران دخیل بود، اما توده‌های مردم در انقلاب، مشخصاً از مساجد و با اندیشه‌های اسلامی آمده بودند.

۳) رهبری این انقلاب با امام خمینی بود. گرچه، در آن سال‌ها، امام در ایران نبود، اما شبکهٔ گستردهٔ مساجد، روحانیون و جوانان آشنا شده با ارزش‌های اسلامی، به امام این امکان را می‌داد که از عراق و فرانسه این جریان اجتماعی را راهبری کند. همین جا باید نقش غیرقابل انکار علی شریعتی، در نزدیک کردن جوانان با اندیشه‌های اسلامی، را یاد آور شد.

۴) روحانیت در این انقلاب نقشی اساسی داشت. هرچند روحانیانی هم بودند که، در برابر انقلاب و به نفع نظام شاهی، ایستاده بودند، اما شاگردان امام در همه جا بدر انقلاب را می‌پاشیدند. رژیم شاهنشاهی، با تبعید روحانیان سرشناس، تفکر امام را به همه‌جای ایران سرایت داد. در تهران، روحانیت مبارز مجموعه‌ای از روحانیان بودند که، برای اولین بار، با نام و امضای خود، مردم را در ۱۶ شهریور ۱۳۵۷، به بیرون آمدن از منازل و اعتراض به نظام شاهنشاهی، فراخواندند. این کار، برای آنان، مخاطرات فراوان به دنبال داشت؛ کماینکه همهٔ آنان پس از واقعهٔ ۱۷ شهریور دستگیر شدند. اما این نقش روحانیت به معنای



امتیاز داشتن بر مردم عادی نبود. مثلاً، در حالی که آیت‌الله ملکی در تمام تصمیم‌گیری‌های مربوط به تظاهرات نقشی اساسی داشت، هیچ‌گاه جلو مردم ظاهر نمی‌شد، و تنها یک بار، آن هم وقتی که ارتش به تیراندازی در روز ۱۶ شهریور پرداخت، ایشان، همراه با دوستانش همچون شهید مفتاح و استاد مطهری و دکتر بهشتی، به صف اول آمد.

۵) این انقلاب انقلابی فرهنگی بود؛ به این معنا که، گرچه وضعیت اقتصادی برخی از لایه‌های اجتماعی مناسب نبود، اما به مدد بالارفتن قیمت نفت از اواخر سال ۱۳۵۲، وضعیت طبقه متوسط ایران بهتر از گذشته بود. این انقلاب مرهون فعالیت کسانی است که وضعیت اقتصادی آن‌ها تا اندازه‌ای بود که می‌توانستند فکر کنند، کتاب بخوانند، در جلسات حسینیه ارشاد و مساجد شرکت کنند و در دانشگاه‌ها به فعالیت‌های فکری و اجتماعی بپردازند. به همین دلیل هم، تظاهرات میلیونی تهران، ابتدا، از بخش‌های شمالی و، سپس، میانی شهر شروع شد. یعنی مردم دغدغه‌های فکری داشتند. رژیم به ارزش‌های اسلامی و فرهنگی مردم بی‌اعتنا و، در عوض، به مدرنیسم بی‌بندوبار گرایش داشت. این رفتار در گفته‌ها و نوشته‌های علی شریعتی، آیت‌الله طالقانی و دیگران افشا می‌شد و آن‌ها مردم را با اندوخته‌های خود آشنا می‌کردند. پایگاه اجتماعی این انقلاب، از ابتدا، طبقه متوسط و شهری بود. پس از انقلاب، با چسبندگی شدید طبقات محروم و فقیر به انقلاب، تا اندازه‌ای، توزیع ثروت در کشور به حالت متعادل رسید؛ به خصوص اینکه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران باعث کمتر شدن مصرف و تا اندازه‌ای استفاده از حداقل امکانات میان اکثر گروه‌های اجتماعی شد. اما به تدریج، فاصله طبقاتی میان مردم ایران نمایان و شکاف بین ثروتمندان و بقیه جامعه چشمگیر شد. اکنون، این حس در برخی از مردم ایران وجود دارد که، نه تنها، اهداف انقلاب محقق نشد، بلکه ناهمگونی در دسترسی به شاخص‌های رفاه از قبل از انقلاب بیشتر شده است. در این زمینه، اخبار مربوط به اختلاس‌ها و رشوه‌ها انگشت حیرت مردمان متوسط و فقیر کشور را به دهان برده است که اصلاً مگر می‌شود، در کشوری انقلابی، چندین هزار میلیارد تومان از بیت‌المال را به جیب زد؟ برخورد حکومت در جهت مدارا با اختلاس‌کنندگان و سوگیری برنامه‌های اقتصادی دولت، در جهت ثروتمندان و علیه دیگر بخش‌های جامعه، واضح است.

۶) انقلاب ایران تهی از تندروی بود. در سال‌هایی که گروه‌های مسلحانه جوانان را به مبارزه علیه نظام، از طریق روش‌های به‌قول خود علمی مسلحانه تجربه شده در کوبا و الجزایر و یتنام می‌خواندند و، به علاوه، برخی از روشنفکران، از لحاظ فلسفی، اندیشه‌های ماتریالیستی ناهمخوان با فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی را تبلیغ می‌کردند، راه این انقلاب از میان تعادل میان یک حرکت اجتماعی اعتراض‌آمیز و اندیشه‌های اسلامی، که امام خمینی معرف آن



بود، گذشت. افرادی بودند که، بعد از فاجعه کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ ش، مردم را به سمت مبارزه مسلحانه با نیروهای مسلح شاه و ساواک می خواندند، اما امام موافقت نکرد. خاطر هست که در یکی از تظاهرات‌ها، بر روی یک جیب، در میان مردم، شعار می دادم؛ در برابر درب اصلی دانشگاه صنعتی شریف یک نفر از پایین اصرار داشت که من در شعاری که برای فلسطین می دادم، بگویم «دروود بر فلسطین، سلام بر مجاهد». او می خواست به نوعی نام «سازمان مجاهدین خلق ایران» در میان شعارهای مردم بیاید. من شعار را این طور تغییر دادم که «دروود بر خمینی، سلام بر فلسطین».

۷) این انقلاب علیه دیگر کشورها نبود. گرچه آنچه باعث این انقلاب شد، به صورت خلاصه، استبداد داخلی شاه و وابستگی خارجی بی اندازه او به کشورهای غربی و به خصوص آمریکا بود، اما در آن سال‌ها کسی این انقلاب را به ضد آمریکایی بودن منحصر نمی کرد. در بحث استقلال سیاسی، انقلاب به دنبال آن بود که به هیچ کشور و یا قطبی در سیاست خارجی وابسته نباشد. به همین دلیل هم، مانند دیگر نهضت‌های ضد آمریکایی، به دامن طرف مقابل، یعنی بلوک شرق و خصوصاً اتحاد شوروی و یا چین، نغلتید. رهبران انقلاب کوبا در ابتدا کمونیست نبودند، اما با فشارهای آمریکا و کمبود اندیشه مستقل سیاسی، نهایتاً در ۱۹۶۱ م، مارکسیست شدند تا بتوانند در برابر تهدیدات آمریکا دوام بیاورند. اتفاقاً، انقلاب ایران به مارکسیسم و نماینده سیاسی آن، یعنی اتحاد شوروی، از ابتدا، مشکوک بود؛ از همان زمان که حزب کمونیست شوروی، در بیانیه خود، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را یک حرکت فتودالی و ضدانقلابی در برابر پیشرفت‌های داهیانه شاه ایران نامیده بود. اما حرف من این است که انقلاب اسلامی همه اهداف خود را در ضد آمریکایی بودن محدود نکرده بود. شاید دوستان و همکلاسی‌های من که، در سال‌های بعد، به نام دانشجویان پیرو خط امام، سفارت آمریکا را اشغال کردند، به این تندروی دامن زدند. ارزش‌های موردنظر انقلاب ایران جهان‌شمول بود و اگر این ارزش‌ها به گوش جهانیان بهتر و وسیع‌تر می رسید، بی تردید، وضعیت فعلی ایران در جهان از نوع دیگری بود.

۸) این انقلاب هنوز زنده است. ما مشکلات را می دانیم. اما آن‌ها که در روز عید فطر ۱۳۵۷ از تپه قیطریه سرازیر شدند و شعار دادند، شاید احتمال کمی می دادند که به تغییر نظام سیاسی ایران توفیق یابند و بعد هم این انقلاب به چهلیمین سال تولد خود برسد. این مدت زمان، خود، نشان‌دهنده آن است که این انقلاب مبانی فکری و همچنین بستر اجتماعی مناسب خودش را دارد. باید به این فکر باشیم که چگونه اشتباهات را جبران کنیم و مسیر اصلی انقلاب را ادامه دهیم.

۹) نمی دانم چه بگویم از نقش دولت‌ها در این انقلاب. آیا دولت‌های پس از انقلاب



به حفظ و توسعه این انقلاب کمک کردند؟ و یا هر کدام به نوعی در پی آن بودند که نظمی ایستا و استاتیک را جایگزین پویایی‌های انقلاب ایران کنند؟ در یک نگاه کلی، از دولت‌ها نباید انتظار معجزه داشت. آن‌ها بوروکرات‌هایی بوده و هستند که در پی اعمال قوانین و اجرای ضوابط‌اند، تا کشور بتواند به ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی برسد. اما دولتی را نمی‌شناسم که به دنبال توسعه ارزش‌های انقلاب در جهان باشد و یا فرهنگ دغدغه‌نخست او باشد. البته فرهنگ به اندازه یک هزارم بودجه بخش‌های عمرانی بودجه می‌گیرد، اما این بودجه اندک در رسانه‌های وابسته به دولت زیر ذره‌بین می‌رود تا، از درون و بیرون کشور، به تمسخر گرفته شود.

۱۰) نگاه انقلاب ایران به سوی آینده بود. این انقلاب حرکتی یکباره و موقت و با زمان محدود نبود. مشارکت کنندگان در این انقلاب در پی آن بودند که، با تغییرات در نظام سیاسی ایران، راه را برای تحول مداوم و دامنه‌دار باز کنند. قرار بود که ما ایرانیان، با تمسک به تمدن غنی چند هزارساله کشورمان و مکتب مرفعی اسلام، به جایی برسیم که الگویی برای دیگر مسلمانان و عموم مردم دنیا باشیم، تا راه بهتر زندگی کردن را، با عنایت به استقلال سیاسی و تاب‌آوری فرهنگی، به آنان بشناسانیم. هنوز هم انقلاب ایران رو به آینده است. در این فضای تحریم و روابط نامساعد با دیگر کشورها، باید یک بار دیگر به اهداف انقلاب بیندیشیم و در مسیر تحقق آن‌ها کوشا باشیم.

در این شماره از مجله، دو مقاله در مورد انقلاب آمده است. مقاله اول از جک گلدستون، استاد شورش‌های اجتماعی در دانشگاه جرج میسون، است. او به عنوان نظریه‌پرداز متأخر مطالعات انقلاب شناخته می‌شود. گلدستون، با بررسی مکاتب فکری قبلی انقلاب‌شناسی، به یک نظریه جدید رسیده که مبتنی بر مفهوم پایداری است. این مقاله دومین مقاله گلدستون در مورد انقلاب است که در مجله چاپ می‌کنیم. مطلب دوم مقاله «نظریه توسعه و انقلاب ایران (یک بحث انتقادی)» نوشته سید جواد طاهایی است. نویسنده مقاله معتقد است انقلاب ایران شرایط توسعه و آزادی را در ایران فراهم آورد.

گرچه مجله مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی مجله‌ای علمی-پژوهشی است و، چنان که از عنوان آن پیدا است، بر سیاست‌گذاری عمومی متمرکز است، اما همان گونه که در شماره‌های پیشین هم نوشتیم، در سال جاری، بخشی از مجله به مقوله «انقلاب» اختصاص یافته است و مسئولان مجله، تا زمستان ۱۳۹۷، بر چاپ مقالات مربوط به مفهوم انقلاب، فرایند انقلاب، روندها و رهیافت‌ها و دستاوردهای آن تأکید می‌ورزند. از شما دعوت می‌کنم که مقالات خود در حوزه انقلاب - و به ویژه، در زمینه انقلاب اسلامی ایران - را برای ارزیابی و انتشار، به دفتر مجله بفرستید.